



سبق در اسلام
فضیلت خاص مولا

حجت الاسلام حسن عرفان



TALABEHYAR.IR

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

جهت دانلود سخنرانی های مکتوب زیر کلیک نمایید.



[کانال فیش منبر و مرثیه](#)

[جهت عضویت کلیک نمایید](#)

فهرست مطالب

۶.....	مقدمه
۶.....	پدران معنوی امت
۹.....	امیرالمؤمنین، پدر معنوی امت
۹.....	افتخار حضرت علی علیه السلام به سبقت در اسلام
۱۱.....	ایمان، اسلام و یقین امیرالمؤمنین
۱۳.....	یقین حضرت علی در مقایسه با حضرت ابراهیم
۱۵.....	فصاحت و بلاغت امیرالمؤمنین
۱۶.....	دیدگاه ابن ابی الحدید درباره نهج البلاغه
۱۷.....	علی علیه السلام، بزرگترین خطیب تاریخ
۱۷.....	نفوذ خطبه‌های امیرالمؤمنین
۲۰.....	جاذبه سخنان امیرالمؤمنین
۲۱.....	دانش امیرالمؤمنین
۲۱.....	برتری علمی علی علیه السلام
۲۳.....	باب علم پیامبر
۲۴.....	وارثان علوم پیامبران
۲۷.....	دادرسی امیرالمؤمنین
۳۰.....	داستان زید نساچ و دختر راه نجف
۳۹.....	دعای آخر مجلس

خطبه ابتدایی

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ

الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

وَ أُوْفُوْصُ أَمْرِى إِلَى اللّهِ إِنَّ اللّهُ بَصِيرُ الْعِبَادِ

اللَّهُمَّ كُنْ لِي وَلِيًّا كُنْ لِي وَلِيًّا كُنْ لِي وَلِيًّا

وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا

وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيْلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ

أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

مقدمه

تقدیم به حضرت امیرالمؤمنین، قائد غر قائد
الغر المحجلین، اسدالله الغالب، علی بن ابیطالب
صلوات الله علیه و ساحت عظامی حضرت صدیقه
طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها و محضر اعلاى
حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان علیه السلام
صلواتی بلند عنایت فرماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

پدران معنوی امت

یکی از فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام
فضیلت ابوت است، یعنی فضیلت پدری.

ما یک پدر نسبی داریم که این پدر نسبی پدری
است که بیشتر تعبیر از او به والد می شود که وسیله

به دنیا آمدن ما شده است و یک پدر معنوی داریم.

قرآن کریم می‌فرماید:

مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ^۱

راه و روش و مکتب پدرتان حضرت ابراهیم؛ یعنی

حضرت ابراهیم پدر معنوی شما است.

و پیغمبر اکرم فرمودند:

أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ^۲

۱. سوره حج آیه ۷۸ (وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۚ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۚ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۚ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۚ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ)

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، صفحه ۷۷

من و علی پدر این امت هستیم.

یعنی پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین علی علیه

السلام عنوان پدر معنوی را بر این ملت دارند.

در زیارت نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام

می‌خوانیم:

كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبًا رَحِيمًا إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا^۱

امت اسلام عیال تو قرار داده شد و شما پدر

مهربان امت قرار گرفتید. این پدر پدر معنوی است.

^۱ فرازی از زیارت امیرالمؤمنین در شب بیست و هفتم (كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبًا

رَحِيمًا إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا فَحَمَلْتَ أَثْقَالًا مَا عَنْهُ صَعْفُوا وَ حَفِظْتَ مَا أَصَاعُوا وَ

رَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا وَ شَمَزْتَ وَ عَلَوْتَ إِذْ هَلِعُوا وَ صَبَرْتَ إِذْ جَزَعُوا)

امیرالمؤمنین، پدر معنوی امت

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یکی از فضایلشان این است که ابوالأئمه هستند، یعنی پدر نسبی ائمه هستند.

این یک فضیلت!

یک فضیلت دیگر این است که پدر معنوی امت اسلام هستند، مثل پیغمبر خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.

افتخار حضرت علی علیه السلام به سبقت در

اسلام

یکی دیگر از فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام سبقت ایشان به اسلام است.

سبقت و سرعت در بعضی از جاها مذموم است؛

ولی سبقت و سرعت به امور خیر و در بعضی از

چیزها جزو فضیلت‌ها است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دعای ندبه از

خدای متعال می‌خواهند،

حَتَّىٰ أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَ أَسْرَعَ

إِلَيْكَ فِي الْمَبَارِزِينَ^۱

! فرازی از دعای کمیل (یا سَبَّیْ یا مَنْ عَلَّيْهِ مُعَوَّلِي یا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالی
یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ قَوِّ عَلَي خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشْدُدْ عَلَي الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَ هَبْ
لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالذَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّىٰ أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ
السَّابِقِينَ وَ أَسْرَعَ إِلَيْكَ فِي الْمَبَارِزِينَ) (المبارزین) وَ أَشْتَأَقْ إِلَى قُرْبِكَ فِي
الْمُسْتَأَقِينَ وَ أَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ وَ أَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَ اجْتَمِعْ فِي
جَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ).

قرآن کریم می‌فرماید:

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ

امیرالمؤمنین علی علیه السلام یکی از

فضایلشان این است که

أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ^۱

هستند.

زودتر از همه مردم به دین خدا گرایش پیدا

کردند، ایمان آوردند.

ایمان، اسلام و یقین امیرالمؤمنین

در زیارت نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام

می‌خوانیم:

۱. تاریخ دمشق: ۴۲ / ۳۱ (عنه علیه السلام: أنا أول من أسلم).

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَأَخْلَصَهُمْ

إِيمَانًا وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا^۱

من گواهی می‌دهم که تو ای امیرالمؤمنین، تو اولین کسی هست که به محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردی و خالص‌ترین ایمان را داشتی و تو قوی‌ترین یقین را صاحب بودی.

۱. فرازی از زیارت امیرالمؤمنین در شب و روز مبعث (أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَأَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ وَأَعْظَمَهُمْ عَنَاءً وَأَخْوَفَهُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ وَأَكْثَرَهُمْ سَوَابِقَ وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً وَأَشْرَفَهُمْ مَنزِلَةً وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ فَقَوِيَّتَ (قَوِيَّتَ) حِينَ وَهَنُوا وَكَزِمْتَ مِنْهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

ایمان امیرالمؤمنین، اسلام امیرالمؤمنین و
یقین امیرالمؤمنین، هر سه در این فراز زیارتنامه
مطرح شده است.

اسلامشان **أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ**^۱ هستند، ایمانشان
خالصترین ایمانها است و یقینشان استوارترین و
محکمترین یقینها است.

یقین حضرت علی در مقایسه با حضرت ابراهیم

این جمله هم گفتنی است؛ قرآن کریم درباره
حضرت ابراهیم می‌گوید:

۱. تاریخ دمشق: ۴۲ / ۳۱ (عنه علیه السلام: أَنَا أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ).

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ^۱

ما آیات خودمان را، ملکوت آسمان و زمین را به حضرت ابراهیم نشان دادیم که حضرت ابراهیم که یکی از پیامبران اولوالعزم خدا است، از یقین آورندگان بشود، از موقنین بشود.

ولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

لَوْ كَشَفَ الْغِطَاءَ مَا إِزْدَدْتُ يَقِينًا^۲

اگر پرده‌ها کنار برود بر یقین من چیزی افزوده

نمی‌شود.

۱. سوره انعام آیه ۷۵

۲. إرشاد القلوب، جلد ۱، صفحه ۱۲۴

ببینید از کجا تا به کجا بین پیامبری از پیامبران
اولوالعزم خدا با وجود امیرالمؤمنین علی علیه
السلام تفاوت است.

فصاحت و بلاغت امیرالمؤمنین

یکی دیگر از فضایل امیرالمؤمنین علی علیه
السلام بلاغت و فصاحت و سخنوری آن حضرت
است.

پیوسته در طول تاریخ سخنوری فصاحت و بلاغت
از ارزش‌های مورد قبول تمام ملل جهان بوده و
هست. ولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام همین
طوری که امیرالمؤمنین هستند، امیرالبیان هم
هستند، پادشاه سخن!

دیدگاه ابن ابی الحدید درباره نهج البلاغه

ابن ابی الحدید معتزلی در ذیل خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه می‌گوید «به آنکه همه ملت‌ها به او سوگند می‌خورند من از ۵۰ سال پیش تاکنون این خطبه را حدود هزار بار خوانده‌ام.»

یعنی خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه را

و هر بار که خوانده‌ام، لرزش جدیدی در روح من پیدا شده است هر بار که خوانده‌ام تأثیر شگفت تازه‌ای در فکر و مغز و دل من ایجاد شده است.

و جاحظ با اینکه از ادبای بزرگ اهل تسنن است و آنچنان اعتقاد مستحکمی به اهل البیت ندارد، یکی از خطبه‌های امیرالمؤمنین را می‌گوید من ۶۰ بار مطالعه کرده‌ام.

علی علیه السلام، بزرگترین خطیب تاریخ

خطبه‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم از نظر ساختار ظاهری،، از نظر ترکیب و از نظر ساختار لفظی با شکوه‌ترین سخنان تاریخ است و حتی بعضی از آنها شبیه معجزه است!

امیرالمؤمنین علی علیه السلام چند تا خطبه دارند که این‌ها از شاهکارهای خطب تاریخ است.

خطبه‌ای دارند بدون نقطه!

خطبه‌هایی دارند بدون الف!

که به وجود آوردنش جداً تالی تلو معجزه است.

نفوذ خطبه‌های امیرالمؤمنین

از نظر نفوذ!

ببینید ما داشته‌ایم خطبایی که وقتی سخن می‌گفتند، عده‌ای پای منبرشان غش می‌کردند، عده‌ای اشک می‌ریختند.

ولی این فقط خاصیت سخن خدا بوده است.

قرآن کریم را بعضی‌ها نقل کرده‌اند که بوده‌اند کسانی که تحت تأثیر قرآن کریم فریاد کشیده‌اند و مرده‌اند.

شبهه همین را ما بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام داریم.

همه شما شنیده‌اید آن مرد مؤمن که اسمش همام بود (با ه دو چشم) آمد از امیرالمؤمنین درخواست کرد که امیرالمؤمنین صفات متقین را

برایش بگویند، امیرالمؤمنین اول تثاقل کردند؛
یعنی نگفتند، امتناع کردند.

او خواهش کرد.

امیرالمؤمنین به طور مبسوط، صفات متقین و
تقواییشان و پارسایان را شرح دادند، تحت تأثیر
سخن امیرالمؤمنین فریاد کشید و جان داد.

امیرالمؤمنین فرمودند:

هَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوَاعِظُ الْبَالِغَةَ بِأَهْلِهَا!^۱

سخنان بلیغ و رسا با کسانی که ظرفیت
پذیرشش را دارند، این چنین می‌کند.

^۱. خطبه همام (خطبه ۱۹۲)

جاذبه سخنان امیرالمؤمنین

جاذبه سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام یکی از جلوه‌های درخشان تاریخ بلاغت بوده؛ به طوری که حتی غیر مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده است.

یکی از مسلمان شده‌های آمریکا گفته بود من نهج البلاغه را ۱۶۰ بار خوانده‌ام.

ولی جرج جرداق مسیحی می‌گوید من نهج البلاغه را حدود ۲۰۰ بار مطالعه کرده‌ام و هر بار چیزی بر من افزوده شد با مطالعه نهج البلاغه.

دانش امیرالمؤمنین

یکی دیگر از جلوه‌های شخصیت امیرالمؤمنین
علی علیه السلام دانش امیرالمؤمنین علی علیه
السلام است؛

که هم خودشان به این نکته توجه کرده‌اند؛
و هم روایاتی که از پیامبر خدا محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله و سلم آمده است، به این
مسئله مردم را متوجه ساخته؛
و هم زندگی عملی امیرالمؤمنین علی علیه
السلام عظمت علمی حضرت را نشان داد.

برتری علمی علی علیه السلام

تنها کسی که توانست در تاریخ بگوید:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي^۱

در هر قلمرویی در هر حوزه‌ای از هر چیزی که می‌خواهید از من سؤال کنید، امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودند.

کسان دیگری در تاریخ ادعا کردند هر چه که می‌خواهید بپرسید، ولی رسوا شدند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودند که این سخن را گفتند و توانستند این ادعا را اثبات کنند.

به قول علما **سَلُونِي** دو تا مفعول می‌خواهد؛ یکی مفعول اول و یکی مفعول دوم.

^۱. نهج البلاغه خ ۱۸۹ (سلونی قبل ان تفقدونی فاتی بطرق السماء اعلم منی

بطرق الأرض)

مفعول دومش حذف شده، برای اینکه افاده
عموم بکند. یعنی امیرالمؤمنین به مردم فرمودند
در هر قلمرویی از هر چیزی که می‌خواهید، از من
سؤال کنید.

باب علم پیامبر

خودشان فرمودند:

إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا^۱

در این سینه من علم فراوان است.

پیغمبر خدا درباره ایشان فرمودند:

^۱. نهج البلاغة: الحکمة ۱۴۷. (عنه عليه السلام - لکُمیل - : ها إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا

جَمًّا (و أشارَ إلى صدره) لَو أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً! بلى أَصَبْتُ لَقِنَا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ،

مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا، وَ مُسْتَظْهِرًا بِنِعْمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَ بِحُجَجِهِ عَلَى

أَوْلِيَائِهِ.)

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا^۱

در زیارت نامه امیرالمؤمنین می خوانیم

السلام عليك يا بحر العلوم

سلام بر تو ای دریای علوم!

وارثان علوم پیامبران

علم امیرالمؤمنین علی علیه السلام در همه

قلمروها بوده است. امیرالمؤمنین علی علیه

السلام علمشان محدود به علوم دینی نبود.

۱. بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۲۰۳ ح ۷ (أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ

فَلْيَقْتَسِبْهُ مِنْ عَلِيٍّ)

امیرالمؤمنین به ابوالاسود دؤلی فرمودند: این
آبشار را تماشا کن. اگر من می‌خواستم از این آبشار
نور بگیرم، می‌توانستم؛ ولی اکنون زود است.
به همان ابوالاسودی که علم نحو را آموختند،
گوشزد کردند که از آب می‌توان نور گرفت، ولی الان
شرایط شرایط مساعدی نیست.

علم امیرالمؤمنین علی علیه السلام که وارث
علم اولین و آخرین بودند؛ در بعضی از زیارت
نامه‌هایشان می‌خوانیم:

یا وارثِ علمِ الأولینِ و الآخرین^۱

۱. زیارت امیرالمؤمنین در هفدهم ربیع الاول (السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ

النَّبِیِّیْنَ وَ مُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلِیْنَ وَ الْآخِرِیْنَ وَ صَاحِبِ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَ سَاقِي أَوْلِيَائِهِ

مِنْ حَوْضِ خَاتِمِ النَّبِیِّیْنَ)

علوم امیرالمؤمنین در همه قلمروها بود؛ نه فقط در قلمرو علوم دینی.

این هم یکی از جلوه‌های مهم شخصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که به این مسئله ما کم توجه کرده‌ایم. هنوز دنیا را با معارف عظیمی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به بشر ارائه کرده، ما آشنا نکرده‌ایم.

اگر روزی بشر متوجه بشود به معارفی که امیرالمؤمنین ارائه کرده‌اند، به قول آن دانشمند اروپایی اگر زمانی که امیرالمؤمنین گفتند:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي^۱

۱. نهج البلاغه خ ۱۸۹ (سلونی قبل ان تفقدونی فانی بطرق السماء اعلم منی

بطرق الأرض)

آن زمان، زمان کنونی بود و امیرالمؤمنین چنین جمله‌ای را می‌گفتند، پیش از اینکه مسلمانان برای دریافت علوم امیرالمؤمنین سبقت بگیرند، کوچه‌های کوفه پر از دانشمندان اروپایی می‌شد.

دادرسی امیرالمؤمنین

یکی از جلوه‌های دیگر شخصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام دادرسی حضرت بوده است؛ رسیدگی به مستمندان، رسیدگی به فقرا، رسیدگی به دردمندان.

این از جلوه‌های بسیار زیبای شخصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است!

ببینید کجا، در کدام ملت، در کدام تاریخ، در کدامین قسمت از جغرافیا، ما یک حاکمی داشتیم،

یک پادشاهی داشتیم که شب‌ها پوشیه بزند، نقاب
بزند؟

هنگامی که شب‌ها به در خانه فقرا می‌رفتند،
پوشیه می‌زدند و صورتشان را می‌پوشاندند که فقرا
حضرت را نشناسند.

اخلاص را ببینید!

چقدر زیبا گفته است!

من این را زیاد گفته‌ام. خدا رحمت کند استاد
شهریار را می‌گوید:

بروای گدای مسکین در خانه علی زن

که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

ولی یک شاعر دیگری می‌گوید:

نروای گدای مسکین در خانه علی زن

چرا؟

چرا نرویم؟

ببینید چقدر زیبا این گفته!

می‌گویند:

نرو ای گدای مسکین در خانه علی زن

که علی زند شبانه دل خانه گدا را

علی حاکمی است که خودش در خانه فقرا می‌آید.

علی کانون رأفت و محبت و عطوفت است.

علی علیه السلام دادرسی بیچارگان است.

یکی از جلوه‌های شخصیت امیرالمؤمنین علی

علیه السلام همین دادرسی و فریادرسی است،

همین رسیدگی به محرومان است.

روایت داریم که امیرالمؤمنین علی علیه السلام روزهای گرم را حتی درون خانه‌شان نمی‌نشستند، بیرون خانه می‌آمدند که اگر کسی درمانده است، بیچاره است، شکایت دارد، گلایه دارد، نیازی دارد، حتی خجالت نکشد از اینکه در خانه علی را بزند. بیرون در علی را زیارت کند و گلایه‌اش را مطرح کند، شکایتش را بگوید.

کجای عالم چنین کسی داشته‌ایم!؟

داستان زید نساچ و دختر راه نجف

این را هم برایتان بگویم و دعایتان کنم. این دادرسی امیرالمؤمنین علی علیه السلام فقط مربوط به زمان حیات امیرالمؤمنین نبود.

اکنون هم وجود مقدس امیرالمؤمنین همین
دادرسی را دارند.

زید نساج یک بافنده بود. این یک خاطره‌ای نقل
می‌کند خیلی زیبا است.

می‌گوید ما یک همسایه‌ای داشتیم. این همسایه
ما شب‌های جمعه می‌آمد در خانه ما با هم به زیارت
قبر امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌رفتیم.

می‌گوید یک شب جمعه‌ای آمده که من با او
همراه بشوم و به زیارت قبر امیرالمؤمنین بروم،
من مشکلی داشتم گفتم تو برو بعداً من می‌آیم.

او به طرف قبر امیرالمؤمنین حرکت کرد. من
دیرتر آمدم. وسط راه دیدم یک جایی این
همسایه‌م‌ام که زائر امیرالمؤمنین است ایستاده

دارد غسل می‌کند، ظاهراً غسل زیارت
امیرالمؤمنین بوده است.

می‌گوید من یک دفعه چشمم به پشتش افتاد،
دیدم روی پشتش جای شمشیر است.

پرسیدم: رفیق این جای شمشیر مال چیست که
ما خبر نداشتیم؟

گفت: بنشین غسلم که تمام شد داستان جای
شمشیر را برایت نقل می‌کنم.

نشستم غسلش را کرد، آمد کنار من گفت زید
نساج من جوان بودم، با ۹ نفر دیگر یک گروهی را
تشکیل داده بودیم، گروه دزدان و سارقان!

کارمان دزدی و سرقت بود. و رسم مان این طوری بود که دزدی می‌کردیم هر ۱۰ نفرمان هر شب در خانه یکی مهمان بودیم.

امشب ۱۰ نفر در خانه من بودند، فردا شب ۱۰ نفر در خانه رفیقم، پس فردا شب در خانه رفیق دیگرم؛ تا تمام می‌شد. بعد دوباره نوبت از اول گرفته می‌شد.

یک شب از مهمانی به خانه برگشتم. زنم به من گفت رفیق‌هایت فردا شب در خانه ما می‌آیند و هیچی برای پذیرایی نداریم. به فکر غذا باش، به فکر پذیرایی باش!

می‌گوید گفتم مسئله‌ای نیست. امشب شب جمعه است، کنار راه می‌روم، زائران امیرالمؤمنین

علی علیه السلام که می‌آیند زیارت بروند با شمشیر
به آنها حمله می‌کنم، مقداری از اموالشان را
می‌گیرم و می‌آیم برای فردا شب هزینه می‌کنم.
می‌گویند رفتیم کمین راه نشستیم بینم زائری از
حضرت علی می‌آید، من او را لختش کنم اموالش را
بدزدم.

می‌گویند هوا بارانی بود. برق زد، دیدم دو تا زن
دارند می‌آیند. گفتم خیلی خوب شد، کار من آسان
شد، غلبه بر دو تا زن آسان است.

زن‌ها جلوتر آمدند. هوا رعد و برق داشت. در رعد
و برق جدید دیدم یکی از این زن‌ها جوان است و
یکی‌شان پیر است.

من گفتم علاوه بر دزدی می‌توانم به یکی از این‌ها
که جوان است تجاوز کنم.

تا که به من نزدیک شدند، با شمشیر کشیده آنها
را تهدید کردم، گفتم هرچه زیور و جواهر آلات دارید
به من بدهید. آنها ترسیدند، طلاهایشان را در
آوردند جلوی من ریختند.

تا که طلاها را به من دادند، من به فکر تجاوز
افتادم.

تا که به فکر تجاوز به آن زن جوان افتادم، آن زن
پیر به من گفت این دختر مادر ندارد، یتیم است.
من خاله‌اش هستم، فردا شب شب عروسی‌اش
است.

امشب از من خواهش کرده که من او را به زیارت
قبر امیرالمؤمنین ببرم؛ چون گفته بعد از ازدواج
ممکن است کمتر موفق به زیارت بشود.

من این دختر خواهرم که یتیم بوده را امشب
می‌خواهم به زیارت امیرالمؤمنین ببرم که فردا شب
ازدواج کند. ای مرد بیا به ما رحم بکن این دختر را
بی‌آبرو نکن، بیا به ما رحم بکن این دختر که فردا
شب شب عروسی‌اش است را بی‌حیثیت نکن!

می‌گویند من توجه به حرف این پسرزن نکردم.
آماده شدم که به این زن جوان تجاوز کنم، یک وقت
این دختر جوان دید که هرچه به من التماس کردند
فایده نکرد، خطاب به امیرالمؤمنین کرد و گفت یا

امیرالمؤمنین

خَلَّصْنِي مِنْ هَذَا الظَّالِمِ

یا امیرالمؤمنین من را از دست این ظالم نجات

بده.

می‌گوید تا که این جمله را این دختر جوان گفت،

من دیدم یک اسب سواری کنار من حاضر شد، به

من فرمود این دختر را رها کن.

من از غروری که داشتم، به آن اسب سوار گفتم

برو کنار که جان خودت در خطر است. تا که این

جمله را گفتم، دیدم آن اسب سوار با نوک

شمشیرش بر پشت من زد که من مدهوش شدم و

روی زمین افتادم.

دیدم این دوتا بلند شدند، خوشحال شدند که

عفتشان حفظ شد، جانشان حفظ شد، به آن آقا

عرض کردند آقا جان حالا که شما ما را از دست این
ظالم نجات دادید، حالا ما را به زیارت امیرالمؤمنین
ببرید که این دختر یتیم موفق به زیارت
امیرالمؤمنین بشود.

می‌گوید در همان حالت مدهوشی شنیدم که
امیرالمؤمنین به این دو تازن فرمودند، شما
برگردید من خودم امیرالمؤمنین هستم. شما به
جای زیارت قبر من، خودم را زیارت کردید.

این دادرسی عزیزان من پیوسته بوده است بر
امیرالمؤمنین، هم در زمان حیاتشان و هم بعد از
حیاتشان.

دعای آخر مجلس

از دادرسی امیرالمؤمنین علی علیه السلام
استفاده کنیم خدا را به امیرالمؤمنین قسم بدهیم
که ان شاء الله همه ما را مورد عنایت خاص خودش
قرار بدهد

اللَّهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ وَ نَدْعُوكَ وَ نَرْجُوكَ بِاسْمِكَ
الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدایا وجود انور امام زمان علیه السلام از همه
آفات و بلیات مصون و محفوظ بدار.

در ظهورشان تعجیل بفرما.

قلبشان از دست ما و دوستان و فرزندان ما شاد
و خرم بگردان.

خدایا به فضل و کرمت و آبروی امیرالمؤمنین و
آبروی کریمه اهل البیت، حاجات همه زائران این
بانوی دو جهان، حاجات همه ما در این لحظه برآورده
بخیر بفرما.

شر آمریکا و اسرائیل و انگلیس و بدخواهان ما به
خودشان برگردان.

کشور ما، کشاورزان ما، کارگران ما، کارمندان ما،
کسبه و بازاریان ما، دانشگاهیان ما، علمای و مراجع
و رهبر معظم ما همه را معزز و منصور بدار.

گناهان گذشته ما و گذشتگان ما ببخش و

بیامرزد.

ارواح طیبه شهدا و مراجع گذشته و روح رهبر

فقید ما را با اولیای خاص خودت محشور بگردان.

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ